

معرفی نسخه خطی کتاب

گلشن مراد^۱

این کتاب که وقایع خاندان زند را تا کشته شدن محمد جعفرخان، ششمین پادشاه این خاندان در سال ۱۲۰۳ ه. ق. در بردارد، نوشته‌ی دوتن از وقایع‌نگاران آن زمان است.

الف - بخشی که ابوالحسن غفاری نگاشته است.

این بخش از آغاز کتاب تا ورق ۱۴۲، صفحه ۲ ادامه دارد. در این قسمت نخست مختصری درباره‌ی جانشینان نادر، و سرکشانی که پس از او ایران را به صورت کانون چپاول و غارت و قتل و تجاوز درآوردند، سخن رانده شده و سپس وقایع زمان کریمخان زند تا مرگ او، و آشوبی که پس از مرگش در شیراز پیداشد، آمده است. آنگاه شرحی از زندگانی علما، بزرگان و ادبای آن زمان آمده و بخش مزبور هم بدینجا پایان یافته است.

میرزا محمد ابوالحسن غفاری کاشانی، از بزرگان کاشان بود و پدرش میرزا معزالدین محمد مستوفی، در زمان کریمخان زند به حکومت کاشان رسید. ابوالحسن غفاری نخست به نقاشی پرداخت و آنگونه که خود میگوید ده سال از زندگانش را صرف این کار کرد تا که سرانجام یکی از دوستان پدرش او را اندرز داد که دست از این کار بیهاصل بردارد و آموزشهای لازم را برای منشی‌گری فرا گیرد.^۱

۱- گلشن مراد، تالیف ابوالحسن غفاری کاشانی، نسخه خطی کتابخانه ملک، ورق ۲،

میرزا ابوالحسن، از آن پس به آموختن فنون منشیگری و مستوفی‌گری همت گماشت و چون در این کار پیشرفتی حاصل نمود بدربار کریمخان زند راه یافت و از منشیان او گردید.

در زمان کریمخان، میرزا ابوالحسن غفاری نگارش کتابی را در شرح وقایع خاندان زند آغاز کرد. لیکن بدلایلی که روشن نیست در سال ۱۱۹۴ از ادامه‌ی این کار دست بازداشت و چهار سال نوشته‌اش همچنان ناتمام ماند تا اینکه سرانجام در سال ۱۱۹۸ به تشویق علیمرادخان زند پنجمین پادشاه این خاندان که شاهی ادب‌پرور و مردم دوست بود کار خود را دنبال کرد و آنرا بنام این پادشاه «گلشن مراد» خواند.

وی بر آن بود که کتاب خویش را در یک مقدمه و سه مقاله بنگارد. نخست مقدمه‌ای درباره‌ی آشوبهای پس از نادر و جنگهای کریمخان، آنگاه مقاله اول در شرح وقایع دوران کریمخان زند و سپس مقاله دوم در شرح کشمکشهای سیاسی و نظامی جانشینان او تا زمان علیمرادخان و بالاخره مقاله سوم در شرح وقایع زمان علیمرادخان زند. لیکن تالیف کتاب بکندی ادامه یافت. زیرا که در سال ۱۱۹۹ علیمرادخان درگذشت و ظاهراً در زمان سلطنت محمدجعفرخان، ابوالحسن غفاری از احترامی آنگونه که باید برخوردار نشد و به جای اوصادق نامی مأمور تالیف کتابی درباره خاندان زند گردید. بهر حال عدم مشوقی قدرتمند او را دلسرد ساخت و سرانجام کتاب درجائی پایان یافت که وی بتازگی شرح وقایع سلطنت کریمخان زند را پایان رسانده بود.

در اواخر بخشی که او نوشته است در چند جا باند کراسال ۱۲۰۶ برمیخوریم. فی‌المثل يك جا مینویسد که: «تا حال تحریر که سنه مبارکه بهزار و دو بیست و شش رسیده»^۲ و چون در هیچ جای دیگر پس از آن از ذکر سال ۱۲۰۷ نشانی

۱- همان کتاب، ورق ۳، صفحه ۱.

۲- همان کتاب ورق ۱۲۸، صفحه ۱. در چند ورق دیگر نیز او بطور گنگ چنین

تاریخی را ذکر میکند.

نمی‌یابیم و چندین ورق بعد فرزند او دنباله کارش را میگیرد، میتوان پذیرفت که تاریخ آغاز تالیف کتاب در سال ۱۱۹۴ و تاریخ پایان آن در سال ۱۲۰۶ بوده است و نیز بدلایلی که بعد خواهیم گفت ابوالحسن غفاری کاشانی در اواخر سال ۱۲۰۶ یا اوایل سال ۱۲۰۷ در گذشته است.

اینک نمونه‌ای از شیوه نگارش او که هر چند از اغراقات و کنایات و اشارات منشیانه سرشار است لیکن نثرش چون نثر صادق نامی مؤلف تاریخ گیتی گشا دل آزار نیست. وی «شرح وقایع سال مبارکمال قوی‌ئیل مطابق سنه هزار و صد و هشتاد و نه ۱۱۸۹ و اتمام جسر شرط العرب و عبور سپاه منصور از شط مزبور بعزم محاصره ام البلاد بصره بدون رنج و تعب» را چنین می‌آغازد: «.... چون فصل بهاران در رسید و هنگام شکفتگی باغ و بوستان گردید باد صبا چون دم عیسی روان بخشی آغاز و مرغ خشنوا بمانند نکیسا قانون طرب انگیزی ساز کرد. زمین از نمود بیاض شبنم چون کف موسی عمران و هوا از تیرگی سحاب بسان صفحه ظلمات مجری آب حیوان گشت. داور گردون سریر و خسرو جهان گیر مهرنیر در شب سه شنبه هجدهم شهر محرم الحرام بعد از انقضای ده ساعت و پنجاه و پنج دقیقه فراز ایوان رفیع بنیان حمل را از فر قدوم میمنت لزوم کجنات عدن یدخلونها فیها اساور من ذهب ولؤلؤ و لیباسهم فیها، حریر ساحت سپهدار باد بهار از گل و لاله صحرائی خیام صفرائی و گلناری در خارج شهر بند باغ و گلزار برافراخت و سپه سالار هوای آزار از سرو و چنار شقة اعلام خضرای و پرچم رایات زنگاری در کنار شط جویبار مرتفع ساخت. بحکم سلطان فروردین لشکر کش قوای نامیه با جنود لاله و ریاحین در اطراف ام البلاد گلشن نشست و فرمان قهرمان بهار معدلت آیین افواج ظفر قرین ریاح ربیعی ره بر حصار بان دی و بهمن بر بست. خارجیان هوای سرد که بعزم امداد قلعکیان شیاط از سفاین یخ کشتی بر آب ساخته بودند از اثر صاعقه توپهای برق بهار فلک هستی شان بر هم شکسته و عمانیان فتنه جوی برد که با لشگر گران

باران و برف علم معاونت متحصنان زمستان افراخته از صدمه صولت بادبهاران
سلسله جمعیت شان از یکدیگر گسسته شد.....»^۱

بخش اصلی کتاب گلشن مراد جز چند ورقی در پیرامون آشوب پس از
مرگ کریمخان، آگاهیهای دیگر درباره جانشینان او بدست نمیدهد و دنباله
کارش را میرزا محمد باقر فرزندش بعهده میگیرد.

ب - بخشی که میرزا محمد باقر غفاری کاشانی تالیف کرده است.

از زندگی میرزا محمد باقر غفاری کاشانی اطلاعات چندانی در دست
نیست. همینقدر از یکی از اشارات او پیداست که همراه پدر یا به تنهایی در برخی
لشکر کشیهای زمان علیمرادخان زند شرکت جسته بود.^۲ ذیل میرزا باقر بلافاصله
پس از پایان بخش نخست آغاز میگردد و نویسنده همان شیوهی پدر را
برمیگزیند.

در میان صفحه ۱ از ورق ۱۴۱ چنین مینماید که کاتب بهنگام نوشتن کمی
از صفحه را خالی گذاشته تا خود میرزا محمد باقر نکاتی چند در آن بنگارد.
درین جا نخست چیزی نگاشته‌اند و سپس آنرا پاک کرده چیز دیگری نوشته‌اند
اما خط همان خط است و با خطی که مطالب پیش و پس از آن نوشته شده
مغایرت دارد. از آنچه پاک شده این جمله خوانا بود که «چون باینجا رسید....
برحمت ایزدی پیوست»^۳ پیداست که میرزا ابوالحسن غفاری کاشانی در این هنگام
در گذشته و کتابش ناتمام مانده است.

سپس آمده است که پس از مدتی محمدعلیخان شیرازی بکاشان آمد و
از مرگ مؤلف گلشن مراد آگاه گشت لذا بر آن شد که آگاهیهای خود را
در اختیار میرزا محمد باقر غفاری کاشانی بگذارد و او با افزودن آنها بر

۱- ورق ۱۰۳، صفحه ۲.

۲- ورق ۱۴۱، صفحه ۱.

۳- همان کتاب، ورق ۱۴۱، صفحه ۱.

آگاهیهای خود کتاب پدر را به پایان برساند. آنگاه یادی شده از اینکه کتاب در عرض سه سال تمام پایان رسیده است.^۱

بعد از اینکه میرزا محمد باقر غفّاری کاشانی شرح حال هاتف شیرازی را بر بخش آخر کتاب پدر میافزاید^۲ ذیل خود را با حرکت علیمرادخان از شیراز در صفر ۱۱۹۳ آغاز میکند و پس از شرح کشته شدن محمد جعفرخان در ربیع الثانی ۱۲۰۳ آنرا پایان میرساند و آنگاه مؤلف بعد از ذکر مدت سلطنت سید مرادخان آگاهیهای بیشتری درباره چگونگی تألیف ذیل خود بدست میدهد.

وی مینویسد که اینجانب میرزا محمد باقر پس از مرگ پدر دنباله کار او را گرفته‌ام و در این راه از یاری محمد علیخان شیرازی «... که از بعضی وقایع و غزوات مستحضر بلکه همه جا حاضر بود...» سود جست‌ه‌ام.^۳ سپس میافزاید که کتاب بعد از سه سال در ششم شعبان ۱۲۱۰ در کاشان رسید و هر بخش را به کاتبی دادیم و در عرض سه ماه هم است کتاب شد (ذیحجه ۱۲۱۰) (۴).

بنابراین تألیف ذیل میرزا باقر در اواسط سال ۱۲۰۷ آغاز شده و در شعبان ۱۲۱۰ پایان رسیده است. ازین رو میتوان پذیرفت که ابوالحسن غفّاری کاشانی در اواخر سال ۱۲۰۶ یا اوایل سال ۱۲۰۷ در گذشته است.

ذیل میرزا باقر مفصلترین نوشته‌ای است که در زمینه جانشینان کریمخان

۱- همان کتاب، همان ورق، همان صفحه.

۲- همان کتاب، همان ورق، همان صفحه. پس از هاتف، شرح حال هجری شاعر دیگر آن زمان نیز آمده است و پیدا نیست که این بخش از آن ابوالحسن غفّاری است یا فرزند او. زیرا که میرزا محمد باقر غفّاری کاشانی فقط اشاره با افزودن شرح حال هاتف کرده است.

۳- همان کتاب، همان ورق، آخر صفحه ۱.

۴- همان کتاب، همان ورق، همان صفحه.

زند در دست است. تنها همین ذیل از مجموع ذیل میرزا عبدالکریم و ذیل آقا محمدرضا و بخشی که صادق نامی در مورد جانشینان کریمخان زند نوشته و تمامی در کتاب تاریخ گیتی گشا آمده است مفصل تر میباشد. در حالیکه این ذیل به مرگ جعفرخان پایان می یابد و تاریخ گیتی گشا وقایع سلطنت لطفعلیخان زند را نیز دربردارد.

از نظر ارزش و میزان صحت وقایعی که در این ذیل آمده میتوان گفت که اگر از تاریخ گیتی گشا ارزنده تر نباشد از آنها دست کمی ندارد. بخصوص که وقایع زمان جانشینان کریمخان زند تا سلطنت محمد جعفرخان در کتب دیگر باختصار آمده و تنها کتابی که در این زمینه به تفصیل سخن بمیان آورده است همین ذیل میباشد.

ایرادی که به ذیل میرزا باقر میتوان گرفت نادرستی بیشتر تاریخهای است که برای وقایع آن زمان بدست داده است. بطوریکه نتوانستیم در این مورد از نوشته‌ی او ثمری بگیریم. لیکن در مورد وقایع زمان محمد جعفرخان زند یعنی بیست ورق آخر کتاب این ایراد وارد نیست و رویدادهایی که در این سالها آمده از هر نظر ارزشمند است.

از نظر شیوه نگارش میرزا محمد باقر غفاری کاشانی نیز همانند پدر به راه خطا گام نهاده و گناه او نیز در درازتر کردن رشته سخن پیشی گرفته و اوراقی چند در وصف علیمرادخان زند یا در توجیه شکستهای او نگاشته است. این نمونه ایست از نثر او که وقایع سال مبارکمال توشقان ثیل مطابق سنه هزار و صد و نود و هفت را چنین می آغازد:

«... چون مراحل دور و دراز فصل بهمن و دی با اقدام خنگ تیز گام شهریار مهرانور نور دیده و طی و نزول خسرو سیارگان به برج حمل در پنج ساعتی شب جمعه هفدهم ربیع الاول اتفاق افتاد ابتدای موسم بهار فرخنده، پی شد. باد صبا عطرافشانی آغاز و نسایم اردی بهشت قانون غالیه بخشی ساز کرد. صحن

مقدس چمن که بسبب امتداد زمان دی و بهمن از زیب گلهای سوری و سمن عاری شده بود باز در عهد خسرو فروردین از اثر قوای نامیه رنگ و روی دیگر پذیرفت و ساحت پاک روضه و گلشن که از رهگذر طول هنگام شتا و حوادث زمن از آرایش الوان لالهای آتشین چهر گلنارش بری گشته بود، دیگر باره بدوران خوش ربیع زیب وزینت تازه از سر گرفت. از اعتدال هوا کار بجائی رسید که هر کجا سروی در عرصه قلمرو باغ و بوستان بود سربه آزادی کشید و کدورت هوای زمستانی بشدت از طبع زمانه زایل گردید که خنده برق نیسانی در هر مزاجی اثر شادی بخشید آوازه عدالت خدیو بهار بطریقی در عرصه گیتی اشتها یافت که خیل وحشیان بیابان گردد که هرگز گردن بقید اطاعت هیچ ذی شوکتی در نمی آوردند بیای خود بعرصه مرغزار آمدند و صدای رسای آبشار کیفیتی جا در گوش اهالی اقطار نمود که فوج غزالان صحرا انورد که از راه وحشت میل بآبادانی نمی کردند، بالطبع عازم لب جویبار شدند. از قوت طالع سلطان ایار پشت صولت سپاه شباط شکسته و بواسطه عنایت فصل بهار فیما بین شهریار عرصه چمن و بنات مکرمات دودمان گلشن پیوند ارتباط بسته شد. عالم خرمی تازه و جهان حضرتی بی اندازه یافت روز جمعه بحکم... جشن نوروزی...»^۱ تا آنجا که اطلاع داریم از گلشن مراد دو نسخه موجود می باشد. نخست نسخه ای که در کتابخانه بریتیش موزیوم لندن بشماره add ۲۳۵۲۴ ثبت گردیده و سپس نسخه کتابخانه ملك که برای تهیه این مقاله، با مشخصات زیر مورد استفاده قرار گرفته است.

نسخه خطی کتابخانه ملك بشماره ۴۳۳۳، تاریخ تحریر ۱۲۱۰ هجری تاریخ است کتاب ۱۲۱۰ هجری در کاشان بخط چندتن از جمله ابوالقاسم بن عبدالله، قطع بزرگ (۲۰/۱ × ۳۳/۱) مشتمل بر ۲۵۳ ورق ۲۱ سطری جلد میشن قرمز نوع کاغذ فستقی نوع خط شکسته و نستعلیق.

چنانکه پیدا است این نسخه، نسخه اصل است بدلایای چند.
 اولاً همانگونه که مؤلف ذیل میرزا باقر مینویسد این نسخه نیز بچند خط
 و بوسیله چندتن استکتاب شده است. ثانیاً جایهایی که مولف ذیل میرزا باقر
 چگونگی تالیف ذیل خود را باز میگوید، بخطی جز آنچه در پیش و پس آن آمده
 میباشد و این میرساند که جایهای مزبور، را کاتبان خالی گذاشته اند تا میرزا باقر
 خود آگاهیهای در زمینه چگونگی تالیف ذیل بدست دهد. دیگر آنکه تاریخ
 تالیف و استکتاب هر دو در ۱۲۱۰ و در کاشان میباشد.

